بازتاب نقص روش ثانیی در کتاب «المعجم الاشتقاقی المؤصل» در کلمه‌ی «مزج» و «مرج»

لغت مزج را در التحقیق آورده‌اند؛ گمان من این است: یکی از مواردی‌که نقص کتاب حسن جبل را نشان می‌دهد، همین‌جا است. ایشان در کتاب «المعجم الاشتقاقی المؤصل» با دو حرف اول، معنا را پای‌هگذاری می‌کند؛ البته بدون در نظر گرفتن الف، واو، یاء. بعد با این دو حرف اول و ما یثلثهما، آن را جلو می‌برد. جلسه‌ی قبل، عرض کردم که این رهزن تحقیقات وسیعتر لغویون می‌شود. ایشان کارهای بسیار خوبی کرده است، اما این روش که روی دو حرف اول به اضافه‌ی حرف سوم، مانور می‌دهند، از بسیاری از عینکهایی که شما می‌توانید به چشمتان بزنید و لغت را ببینید، جلوگیری می‌کند. یکی از آنها همین ما نحن فیه است.

ببینید ما دو لغت داریم که به ذهن قاصرم اینها در یک باب هستند؛ نزدیک هستند. یعنی شما در تحقیقات فقه اللغة می‌توانید اینها را به هم مربوط کنید. اما وقتی به المعجم می‌روید، می‌بینید «بینهما بون». اینها به هم مرتبط نمی‌شوند. این دو لغت چیست؟ هر دو هم لغت قرآنی است. یکی «مزج»، یکی «مرج». «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ»[1]. «مرجان» مبالغه در «مرج» است. دیدی که مرجان پوستی دارد که خارهای متعددی روی آن هست؛ همان «مرج» است. یکی هم «مزج» است. «وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ»[2]. «مزاج» در آیات شریفه آمده است، الآن هم حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «لا باللمازجة». گمان من این است که این «مرج» و این «مزج»، معنایشان کاملاً نزدیک به هم هستند. در هر دوی آنها، اختلاط خوابیده است.

لذا من نگاه کردم حسن جبل «مزج» را به‌معنای اختلاط می‌گیرد و وقتی هم به «مرج» می‌آید، در آنجا هم مجبور است که اختلاط را به کار بیاورد و حال آنکه طبق مبنای او، «مرج» به «مرر» برگشته است. چون او، دو حرف اول را می‌گیرد. می‌گوید: «المیم و الراء و ما یثلثهما». پس «مرج» به چه بر می‌گردد؟ به «مرر». «مرر» به‌معنای «ارسال» است که «میم» به‌معنای تضامن، و «راء» به‌معنای استرسال است. «ج» را هم به‌معنای شیء لطیف است که به آن ضمیمه می‌کند. ولی خُب، وقتی می‌خواهد توضیح بدهد باز می‌بینید در کلمه‌ی «مرج»، اختلاط را هم می‌آورد. یعنی همان اختلاطی که در «مزج» خودش می‌گوید، در آنجا هم هست، شما چرا می‌گویید: «میم» و «راء» و بعد هم به «مزج» می‌روید و می‌گویید: «المیم و الزاء و ما یثلثهما»؟! وقتی به این صورت می‌گویید همانطوری که «مرّ» با «مزّ» فرق دارند و در یک باب نیستند، «مزج» شما با «مرج» شما نیز، در دو باب قرار می‌گیرند. این نقص کار است. کار لغت را در تحقیقات وسیعتر بسیار زمینگیر می‌کند.

در التحقیق فرموده‌اند:

> «و التحقيق أن الأصل الواحد في المادة: هو إرسال و إطلاق في جريان طبيعي للشيء و تنحيته عن القيود»[3].

«مرج»، مثل هرج‌ومرج. «و التحقيق أنّ الأصل الواحد في المادة: هو إرسال و إطلاق في جريان طبيعي للشيء و تنحيته عن القيود».

---

[1]. الرحمن، آیه‌ی ۱۹.

[2]. المطففین، آیه‌ی ۲۷.

[3]. علامه‌ی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۱۱، ص ۶۴.

بازبینی #3
ایجاد شده 29 ژانویه 2024 13:20:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 فوریه 2024 13:36:23 توسط ... .